

پیشگیری از وقوع سرقت

مورد مطالعه: شهر شاهرود

حسین جیبا^۱*

چکیده

وقوع جرم های شهری تبدیل به یک نگرانی عمده برای یک دوره طولانی شده است و محققان و پژوهشگران جهان در واقع راههای بسیاری را برای پیشگیری و کاهش جرم و جنایت در شهرها ارائه داده اند محیط شهری تاثیرات مختلفی بر فضاهای شهری و زندگی شهروندان می گذارد که تأثیر بر افزایش جرائم و کاهش احساس امنیت شهروندان مهم ترین تاثیرات آن است. پدیده ی سرقت و نامنی شهری به نوعی با نظم و امنیت کشور در ارتباط است و به دلیل همراه داشتن لطمات روحی و جسمانی برای مال باختگان، به ایجاد نامنی در جامعه منجر می شود. یکی از راهبرد های پیشگیرانه از جرم و به تبع آن سرقت، پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی و توجه به محیط جغرافیایی جرم است. هدف پژوهش حاضر، بررسی شرایط محیطی در وقوع جرم سرقت بوده است. روش تحقیق، توصیفی تحلیلی بر پایه مطالعات کتابخانه ای و میدانی بوده است. یافته های تحقیق بر اهمیت نقش مکان در شهر شاهرود در میزان و فراوانی جرم سرقت تاکید دارد بیش ترین سرقت ها مربوط به شهرک های حاشیه شهر، مثل شهرک فدک، کوثر، بهشتی، پردیس و دو شهرک در داخل شهر به نام شهرک ولی عصر و شهرک انقلاب رخ می دهد که نقش و تأثیر کالبد و فیزیک شهرها و طراحی مناسب فضاها و مجتمع های زیستی شهری تأثیر مستقیمی بر کاهش و پیشگیری از جرم داشته است. لذا با توجه به رابطه بین فضاهای بی دفاع و جرم سرقت، با کاهش فضاهای بی دفاع و توجه به مکان جرم و طراحی مناسب محیط، می توان از وقوع برخی از جرائم جلوگیری به عمل آورد.

کلمات کلیدی: امنیت، جرم، سرقت، محیط، جرم. شهر شاهرود

مقدمه:

جرم و رفتارهای مجرمانه به دلیل دارا بودن ظرف زمانی و مکانی خاص و منحصر به فرد، دارای توزیع یکسانی نیستند، گسترش شهر نشینی از یک طرف و کمبود فضا از طرف دیگر، ازدحام و تراکم بیش از حد جمعیت و فعالیت را در شهرهای امروزی سبب شده است درهم تنیدگی و فشردگی جمعیت دارای پیامدهای گسترده ای بوده که یکی از آنها افزایش ناهنجاری های اجتماعی است که این مسئله نه تنها دستگاه قضایی و انتظامی را با چالش بزرگ مواجه کرده، بلکه از نظر فرهنگی، اجتماعی، روانی، اقتصادی و حتی سیاسی نیز مخاطره آمیز بوده و هزینه های مادی و معنوی فراوانی بر دوش جامعه می گذارد (تقوایی، ۱۳۸۹: ۱۰۵). مبارزه با جرم منوط به شناخت عوامل جرمزا است. بنابراین با از بین بردن این عوامل و کاهش اثرهای آن می توان از بروز جرائم پیشگیری نموده و یا حداقل از میزان آن کاست. از یک دید کلی جرم شامل رفتاری است مخالف نظم اجتماعی که مرتکب آن را در معرض مجازات یا اقدامات تأمینی (تربیتی، مراقبتی و درمانی قرار می دهد). (گلدوزیان، ۱۳۶۹: ۱۴۳) جرم سازه ای اجتماعی است که بر نقض ارزش های مشترک جامعه توسط یک فرد یا گروه دلالت دارد. افزایش جرم و تنوع آن در جوامع شهری نه تنها با اصول نظم اجتماعی تعارض دارد، بلکه به همراه خود، هدر رفتن منابع اقتصادی، سرخوردگی شهروندان و وخامت کلی در کیفیت زندگی را به ارمغان می آورد و کاهش امنیت اجتماعی، پایه های زندگی اجتماعی را تهدید می کند. (کلانتری، ۱۳۹۳: ۲۷) در پیشگیری از وقوع بسیاری از جرائم، فضاهای شهری و کیفیت محیط می تواند عامل تعیین کننده باشد. آمارهای موجود در کشورهای جهان نشان داده است که پیشگیری از جرائم محیطی از طریق افزایش پلیس، تدابیر شدید امنیتی، صدور احکام و مجازات شدیدتر و احداث زندان های بیشتر راه به جایی نمی برد. اما نظریه ای «پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی» یکی از دیدگاه های پذیرفته شده در کاهش میزان جرائم و نیز تسهیل کشف و پیگرد آن محسوب می شود. به عبارتی دیگر، بر اساس پیشنهاد روش شناسی برنامه ریزی و طراحی مجدد محیطی، معماران و شهر سازان می توانند مجال فراهم کنند که جرم و تبهکاری را کاهش داده و کیفیت زندگی را بهبود بخشند (جمال بیگی، ۱۳۹۸: ۶۲). امروزه طراحی محیط به منظور پیشگیری از وقوع جرم بخش مهم از

دانش شهرسازی و عمران شهری را شکل می‌دهد. دسترسی‌ها، نورپردازی‌ها، بافت‌شهرسازی و عمران شهری را شکل می‌دهد. دسترسی‌ها، نورپردازی‌ها، بافت شهرها، گره‌های شهری، بن‌بست‌ها، مسیرهای کم تردد، ایستگاه‌های مترو، پارک‌ها و فضاهای سبز درون شهرها همگی می‌تواند موضوع مورد توجه مسئولان مدیران شهری در کنترل فضا به منظور تقلیل میزان جرائم ارتكابی قرار گیرد. در این پژوهش به روش توصیفی و تحلیلی و به کمک منابع کتابخانه‌ای و میدانی بهره جستن از نظریه‌های مختلف جامعه شناسان و برنامه ریزان شهری، تبیین نقش عوامل محیطی در پیشگیری از جرم و ایجاد امنیت برای شهروندان دنبال شده و راهکارهای مناسب پیشنهاد گردیده است. بوم‌شناسی جنایی، تأثیر زیست‌گاه فردی و محیط‌زیست فرد در رفتار مجرمانه وی را مورد مطالعه قرار می‌دهد. بررسی موضوع‌هایی همچون کیفیت و نحوه‌ی معماری مسکن و چگونگی شهرسازی و یا محله‌های متفاوت یک مکان مسکونی و غیرمسکونی مبین تأثیرگذاری محیط بر بزه‌کاری شهری است. ضرورت مطالعه عوامل محیطی تا جایی است که گفته شده است بخش اعظمی از عوامل مؤثر بر جرائم محیطی، نوع بافت محیطی در پیاده‌سازی جرم توسط مجرمان است. این تأثیرگذاری تا حدی است که در صورت نامطلوب بودن زیستگاه، ضایعات و خسارت‌های جبران‌ناپذیری بر امنیت سکونتی محیطی وارد می‌نماید. مطالعه جرم‌شناسانه‌ی سال‌های اخیر هم معتقد بر سه رویکرد در زمینه‌ی پیشگیری از جرم در محیط ساخته شده است که پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی به عنوان نخستین رویکرد، بر کاهش فرصت‌های جرم خیز از طریق تکنیک‌های برنامه‌ریزی و طراحی، تأکید می‌نماید. CPTED افزایش خطر بزه‌کاری، فرصت‌های ارتکاب جرم و تلاش‌های لازم برای ارتکاب جرم را افزایش می‌دهد. اما برعکس تکنیک‌های طراحی محیط منافع احتمالی رفتار مجرمانه را کاهش داده و در نهایت فرصت‌های مجرمان برای بهانه‌گیری را کاهش می‌دهد. توجه به این نکته که رفتار انسان در فضا و مکان‌های متفاوت با شکل و هندسه خاص و نیز با عملکرد نهفته در آن، متفاوت بوده و در بسیاری موارد فضا محرک انسان در بروز رفتار مجرمانه امری ضروری است. (عبادی نژاد، ۱۳۹۱: ۱۲۵) در میان تمامی این رویکردها محیط فیزیکی به اداره‌ی محیط اجتماعی و شاید بیش از آن اهمیت دارد؛ زیرا محیط فیزیکی شامل عناصر ثابتی است که با برنامه‌ریزی و طراحی احتمال دارد به کاهش فرصت‌های وقوع جرم منجر شود. از میان رویکردهای فیزیکی و پیشگیری از جرم، می‌شود به پنج رویکرد مهم اشاره کرد که عبارت‌اند از: چشمان خیابان، فضاهای قابل دفاع، پیشگیری از

وقوع جرم از طریق طراحی محیطی، پیشگیری وضعی جرم و نظریه‌ی پنجره‌های شکسته. هر رویکرد مؤلفه‌های منحصربه‌فرد خود را دارد اما مهم‌ترین آن‌ها که به‌طور معمول در پژوهش استفاده می‌شود، نظریه پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی است. این نوع پیشگیری به معنای طراحی مناسب و موثر از فضا و محیط ساخته‌شده است که به کاهش فرصت‌های مجرمانه، ترس از جرم و بهبود کیفیت زندگی می‌انجامد. (محمودی جانکی، ۱۳۸۸: ۳۴۵) در واقع این اندیشه مبتنی بر آن است که رفتار انسان در محیط، از طراحی محیطی تأثیر می‌پذیرد. همچنین با بهینه‌سازی فرصت‌های ناظر، تعریف مشخص و واضح از قلمرو و ایجاد تصویری مثبت از محیط، می‌شود مجرمان را از ارتکاب جرم بازداشت. (ایران منش، ۱۳۹۲: ۳)

مکان و جرم

پراکندگی جرایم در مقیاس‌های گوناگون مکانی، بی‌ارتباط با شرایط و عوامل جغرافیایی نیست. هر جرم به وسیله انسان در مقطع زمانی و مکانی خاص رخ می‌دهد بعضی وقوع جرایم را با توجه به آب و هوا مورد مطالعه قرار داده‌اند. از جمله فری، محقق ایتالیایی، معتقد است که آب و هوای هر منطقه در طرز زندگی آن ناحیه موثر است. از نظر او در تابستان که روزها طولانی است و اشخاص ساعت بیشتری را در خارج از منزل می‌گذرانند و برخوردهای اجتماعی زیادتری دارند، جرایمی از قبیل ضرب و جرح و قتل بیش از سایر فصول اتفاق می‌افتد. در حالیکه در زمستان شب‌ها درازتر است مجرمان با استفاده از این فرصت، بیشتر مرتکب جرم می‌شوند. در سال ۱۹۳۵ راسن با بررسی آمارهای قضایی انگلستان و ولز نتیجه گرفت که تراکم جمعیت یکی از عوامل اصلی افزایش جرم و جنایت می‌باشد. تقریباً از دهه ۱۹۷۰ میلادی و به دلیل رشد سریع و شتابان جمعیت شهری در اکثر کشورهای جهان و افزایش بی‌رویه ناهنجاری‌های اجتماعی در این شهرها توجه ویژه‌ای به بررسی‌های جغرافیایی جرایم شهری بوجود آمد. از طرفی مناطق درون شهری که شرایط محیطی مطلوبی ندارند و برای تجمع مهاجران تازه وارد مناسب هستند به همراه زاغه‌های اطراف شهر که دارای تراکم بالایی هستند به عنوان مکان‌هایی با بیشترین میزان جرایم و بزهکاری شناخته شده‌اند. جرایم خشونت‌بار اغلب در مناطقی

که ویژگی هایی مانند درون شهر دارند دیده می شوند . ویژگی های این مناطق عبارت است از : سطح درآمد پایین ، تجمع نژادی ، خانه های مخروطی ، بیکاری زیاد و تراکم بالای جمعیت و... معمولاً محله های پر جمعیت شهرها به علت کمبود امکانات اقتصادی، اجتماعی و... انحرافات بیشتری دارند . در شهرها به سبب وجود مکان های گوناگون ، جرایم گوناگونی اتفاق می افتد. در محیط های کوچکی مثل خیابان ها ، ایستگاههای راه آهن و... به سبب وجود فرصت ها و زمینه های مساعد ، میزان حمله ، دستبرد، کیف زنی و... بسیار بالا است . بررسی های انجام شده در این حوزه کمک موثری به پیشگیری از جرایم از طریق شناسایی کانون های جرم خیز و کنترل بهتر این مکان ها و تغییر آنها به فضاهای مقاوم در برابر جرم نموده است . از مهمترین نگرش های جدید می توان به دیدگاه مکان جرم خیز اشاره نمود. اصطلاح مکان جرم خیز بیانگر یک مکان با میزان بالای جرایم است. به احتمال قوی اولین نقشه های جرم به وسیله گری و کتله ترسیم شده است . آنها نخستین پژوهش های علمی جغرافیای جرم را با بهره گیری از اندیشه های اکولوژی اجتماعی انجام داده اند و به بررسی جرم در رابطه با شرایط اجتماعی و سکونتی گوناگون پرداخته اند (بیات و همکاران ، ۱۳۸۷: ۹۳) .

تحقیقات نشان می دهد که در برخی از مکان های شهر به علت ساختار کالبدی ویژه و مشخصه های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ساکنان و استفاده کنندگان این مکان ها، امکان و فرصت بزه کاری بیشتر است؛ و به عکس، در برخی از محدوده های شهری به دلیل وجود موانع و شرایط بازدارنده میزان بزه کاری اندک است. هر جرم دارای ظرف مکانی و زمانی منحصر به فردی است که آن را از دیگر رفتارها متمایز می سازد و باعث می شود تا رفتار مجرمانه در واحد مکان، توزیع فضایی یکسانی نداشته باشد . برخی مکان ها به لحاظ ساختار کالبدی خاص، نوع فعالیت و ویژگی های اقتصادی و اجتماعی ساکنین آن، امکان و فرصت بیشتری را برای وقوع جرم فراهم می کنند و مجرمان انگیزه دار را که بر اساس انتخاب عقلانی به دنبال کم خطرترین و مناسب ترین فرصت ها و شرایط مکانی برای ارتکاب عمل مجرمانه می باشند - به سوی خود جذب می نمایند. توجه به مکان، به عنوان عامل بی واسطه در وقوع جرم، در مقایسه با عوامل فردی یا ساختاری این امکان را محقق می سازد تا راهکارهای عملی تری برای پیشگیری از جرم ارائه گردد . از سوی دیگر تحلیل فضایی جرم در

شهرها به شناسایی الگوهای رفتار مجرمانه، کشف کانون‌های جرم خیز و درنهایت به تغییر این شرایط و خلق فضاهای مقاوم در برابر جرم و رفع نابهنجاری‌های شهری کمک می‌کند. از این رو بررسی‌های مکانی از اهمیت بسزایی در مطالعه‌ی جرم برخوردار بوده و ضرورت بررسی موضوع را دوجندان می‌نماید. عمده دیدگاه‌های نظری معاصر در جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی جنایی که به بررسی جرم می‌پردازند و مکان را به عنوان هسته‌ی اصلی تبیین در نظر دارند عبارت‌اند از: الف) مکتب بوم‌شناسی شیکاگو؛ ب) رهیافت فرصت، شامل نظریه فعالیت روزمره و نظریه انتخاب عقلانی؛ ج) رهیافت پیشگیری مکانی جرم، شامل پیشگیری جرم از طریق طراحی محیط، و پیشگیری وضعی از جرم. (حاتمی نژاد، ۱۳۹۸: ۶۹)

تأثیر کالبدی فضایی بر امنیت و پیشگیری از جرم

درباره‌ی تأثیر محیط فیزیکی و فضا بر امنیت و پیشگیری از جرم، نظریات بی‌شماری مطرح شده است. بر اساس این نظریات فضاهای بدون دفاع و فضاهایی که قابلیت بیشتری برای وقوع جرم دارند، موجب کاهش امنیت اجتماعی به ویژه امنیت زنان می‌شوند (طاهر خانی، ۱۳۸۱: ۸۸). همان‌گونه که فضاهای شهری و غیرشهری می‌توانند با برنامه‌ریزی و طرح‌ریزی صحیح محل بروز و نمود فضایل انسانی باشد، از جهت دیگر می‌توانند از طریق رهاشدگی و برنامه‌ریزی‌های نادرست و ساده‌انگارانه به مکان بروز انواع جرائم تبدیل گردند (احمدی، ۱۳۸۹: ۱۷۳). خصوصیات برخی فضاها به‌گونه‌ای است که زمینه‌ی ترس بیشتری را فراهم می‌آورد. عدم وجود نور کافی در خیابان، خوابیدن بی‌سرپناهان و معتادان در کنار خیابان و نبود پیاده‌رو در اتوبان‌ها از آن جمله می‌باشند. بر اساس نظریه اسکار نیومن (۱۹۷۳) فضاهایی که امکان دید و دیده شدن در آن‌ها بیشتر است و در ضمن امکان کمی برای فرار مهیا باشد، پتانسیل کمتری برای فعالیت مجرمان فراهم می‌آورند. از این رو، برای مثال استدلال می‌شود که دیوارها می‌توانند به عنوان موانع فیزیکی تلقی شوند و حس نامنی را افزایش دهد درحالی‌که وجود نشانه‌ای که حاکی از نظارت مردم بر محله باشد می‌تواند حس امنیت را افزایش دهد (الیاس زاده، ۱۳۸۹: ۴۶). وقتی فضایی خوانا است به احساس راحتی و امنیت کمک می‌کند و بر عکس هنگامی که علائم راهنما وجود ندارد، فضا گیج‌کننده بوده و احساس امنیت از بین می‌رود. افزودن عصاره «چشم خیابان» به برنامه‌ریزی و طراحی، فرصت‌هایی را برای مراقبت‌های نامحسوس از اماکن رهاشده که

ممکن است جرم و جنایت در آن‌ها رخ دهد، پدید می‌آورد. به‌طور که مردم وقتی در معرض دید هستند و یا صدایشان شنیده می‌شود احساس امنیت بیشتری دارند.

تحقیقات نشان می‌دهد که بهبود بخشیدن روشنایی که فرصت‌هایی را برای مراقبت طبیعی افزایش می‌دهند. فضاهای شهری اثرات مثبتی بر روی امنیت شهری داشته و علاوه بر روشنایی جاده‌ها و جهت‌یابی مسیرهای پیاده و روشنایی مؤثر است. ساختمان‌ها، پارک‌ها و عناصر منظر، برای بهبود بخشیدن به کیفیت زیبایی‌شناختی فضای شهری در شب نیز به کار می‌رود. (مدیری، ۱۳۸۵: ۱۴).

ارتباط طراحی و جرم

نقش و تأثیرگذاری محیط بر جرم از ابتدا خیلی مورد توجه واقع نشده بود. البته اگر به این مسئله هم پرداخته شده باشد، بیشتر این رویکردها جبرگرایانه بوده و بیشتر بر تأثیرگذاری محیط جغرافیایی و طبیعی بر جرم پرداخته شده است. پیشگیری از جرم از طریق محیطی را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: طراحی مناسب و کاربری مؤثر از محیط که منجر به کاهش جرم و ترس ناشی از جرم می‌شود (قورچی بیگی، ۱۳۸۸ : ۳۴۸). به عبارت دیگر طراحی مناسب و استفاده‌ی درست از محیط می‌تواند علاوه بر پیشگیری از وقوع جرم، کیفیت زندگی را بهبود بخشیده و ترس از جرم را کاهش دهد. پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی بر این ادعا استوار است که می‌توان با طراحی مناسب محل سکونت، کار و زندگی افراد، از جرائم ارتكابی در محیط ساخته شده پیشگیری کرد. اگر محیط به نحوی طراحی شود که بتواند موجب نظارت افراد شده، تعلق ساکنان را به قلمرو خود بالا برده و تصویری مثبت از فضا ایجاد کند، فرصت‌های مجرمانه کاهش خواهد یافت و مجرمان از ارتکاب جرم باز خواهند ماند. زیرا در معادله عقلانی مجرم، میزان تلاش و ارتکاب جرم بیشتر از منافع حاصل از جرم خواهد بود. این دیدگاه نسبت به سایر انواع پیشگیری‌ها این مزیت را دارد که تغییر وضعیت بسیار ساده‌تر از تغییر شخصیت فرد است. ساختمان‌ها، خیابان‌ها، فضاهای سرباز و پارک‌ها صرفاً فضاهایی نیستند که جرم در آنجا روی می‌دهد، بلکه ساختار و طراحی فضا می‌تواند موجب پیشگیری و بازدارندگی از فعالیت‌های مجرمانه شده و امنیت شهری را بهبود بخشد. این دیدگاه دربرگیرنده تحلیل‌های دقیق وضعی از جرم است که به

دنبال یافتن وضعت ها و شرایطی است که می تواند فرصت های مجرمانه ایجاد کند) (حسینی، ۱۳۹۶: ۲۰۷).

رویکرد پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی

این رویکرد را می توان طراحی کارآمد و به کارگیری بهینه کلیه عناصر موجود در محیط مصنوع به منظور کاهش جرائم شهری دانست که به طور مستقیم و غیرمستقیم در ارتقاء کیفیت زندگی و افزایش رضایت مندی شهروندان و بهبود رفاه و سرمایه اجتماعی تأثیر به سزایی دارد. رویکرد حاضر این امکان را فراهم می کند تا با طراحی کالبدی شهر از طریق طرح کالبدی ساختمان و طراحی پلان و دسترسی به سایت های جرم خیز، بتوان از ایجاد محیط های مناسب برای جرم و جنایت پرهیز کرد تا به عنوان بازدارنده ای از ارتکاب جرائم عمل کند. از آنجاکه هر مکان شهری محل رفتارهای ویژه شهروندی است و از سوی دیگر، تنها محیط هایی جرم خیز محسوب می شوند که تحت نظارت عمومی نباشند یا دارای ظرفیت بالقوه ای برای ارتکاب جرم داشته باشند، می توان از طریق طراحی کالبد شهر یا عناصر آن از ارتکاب جرائم شهری جلوگیری به عمل آورد (بمانیان، ۱۳۸۷: ۶۳). بر اساس مستندات، تجربیات و آرای اندیشمندان جهانی در این زمینه، می توان به اصولی اشاره کرد که به عنوان مبانی در طراحی محیطی مورد استفاده قرار می گیرند. به کارگیری این اصول و مفاهیم تمثیلی آن، سهمی اساسی در طراحی محیطی بازدارنده از جرائم دارد که عبارت اند از: تقویت قلمروهای طبیعی، کنترل دسترسی، تعمیر و نگهداری، نظارت طبیعی و حمایت از فعالیت های اجتماعی.

اصول پیشگیری از وقوع جرم از طریق طراحی محیطی

پدیده سرقت، امنیت اجتماعی و اقتصادی شهروندان را تهدید می کند. این پدیده به نوعی با نظم و امنیت کشور در ارتباط است و به دلیل همراه داشتن لطمات روحی و جسمی برای مال باختگان، به ایجاد ناامنی در جامعه منجر می شود. یکی از راهبردهای پیشگیرانه از جرم و به تبع آن، سرقت «پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی است. در سال ۱۹۶۹ جفری اولین کسی بود که نظریه ی پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی را ارائه داد. به نظر جفری جامعه شناسان به میزان قابل توجهی در عوامل اجتماعی مؤثر بر جرم

از قبیل محرومیت، تأثیرات فرهنگی، خانواده و... اغراق کرده و به عوامل بیولوژیکی و فیزیکی توجه نکرده‌اند. او بر فرصت‌هایی که محیط در اختیار مجرمین قرار می‌دهد تأکید داشت و جرائم گوناگون را ناشی از فرصت‌های محیطی می‌دانست. این نظریه از شش جزء تشکیل شده است که عبارت‌اند از: قلمرو گرایی، نظارت، کنترل دسترسی، تصویر محیط سخت، آماج کردن و فعالیت‌های پشتیبانی. (کلانتری، ۱۳۸۹: ۴۵)

مواد و روشها

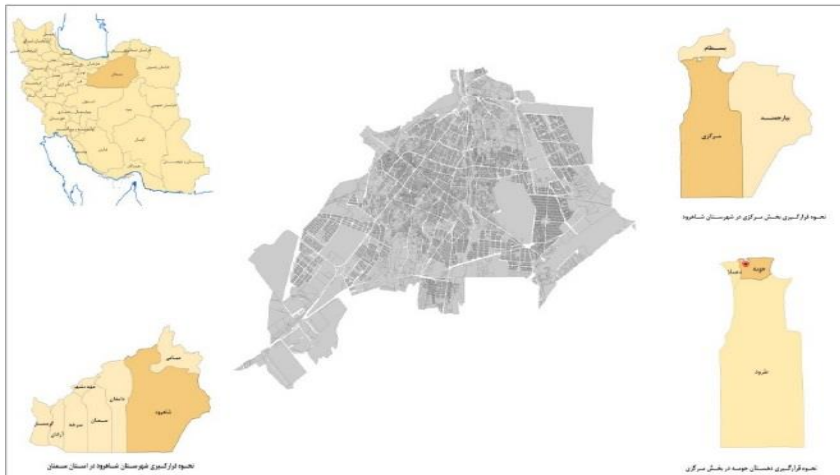
معرفی محدوده مورد مطالعه

شهر شاهرود از نظر موقعیت ریاضی در عرض شمالی ۳۶ درجه و ۵ دقیقه از خط امتداد طول شرقی ۵۵ درجه و ۲ دقیقه از نصف النهار گرینویچ در ضلع شمال غربی شهرستان شاهرود واقع شده و به طور متوسط حدود ۱۳۴۵ متر از سطح دریاهای آزاد ارتفاع دارد شهر شاهرود به طور کلی به ۲ منطقه تقسیم شده است که به وسیله رودخانه ای (خشک رود) که تقریباً از قسمت میانی شهر عبور می‌کند از هم مجزا شده است. بخش شرقی رودخانه منطقه ۲ و بخش غربی آن منطقه ۱ شهر می‌باشد هر یک از این دو منطقه نیز دارای خصوصیات عملکردی متنوع و متفاوتی می‌باشند همچنین شهر شاهرود به ۷ ناحیه و ۳۸ محله تقسیم شده است شهر شاهرود مانند اغلب شهرهای کشور نقش درجه یک خود را در ارائه خدمات به خصوص در زمینه خدمات اجتماعی به جمعیت حوزه نفوذ خود می‌یابد که به خصوص با توجه به اقلیم منطقه و مرکزیت عمده شهر، این نقش وجه بارز تری می‌یابد. آب و هوای شاهرود نیمه خشک سرد می‌باشد. بر اساس آخرین سرشماری نفوس و مسکن مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵ دارای ۱۵۰۱۲۹ نفر جمعیت بوده است. این شهر در بین ۲۰ شهر استان در سال ۱۳۹۵ در رتبه دوم قرار داشته است. اطلاعات موجود نشان می‌دهد که این شهر در اولین سرشماری علمی سراسری در ایران (سال ۱۳۳۵) حدود ۱۷۰۵۸ نفر جمعیت داشته است، به این ترتیب جمعیت آن طی این دوره ۶۰ ساله حدود ۸۸٪ برابر شده است که رشدی برابر ۳۸۰ درصد را نشان می‌دهد. مقایسه رشد سالانه جمعیت آن با شهری کشور طی این دوره نشان می‌دهد که رشد جمعیت کمتری از متوسط رشد جمعیت شهری کشور داشته است در پژوهش حاضر، هفت ناحیه شهر، مطابق با تقسیمات کالبدی طرح جامع شاهرود، مورد بررسی قرار گرفته است. بر این اساس شهر به دو منطقه شرقی و غربی

تقسیم می‌شود بطوریکه منطقه یک که نیمه غربی شهر را شامل می‌گردد به چهار ناحیه و منطقه دو که نیمه شرقی شهر را شامل می‌گردد به سه ناحیه تقسیم شده است. منطقه یک عمدتاً مربوط به توسعه‌های اولیه شهر و منطقه دو مربوط به توسعه‌های جدید شهر می‌باشند. در این میان ناحیه سه با ۶۳۳ هکتار، بزرگترین ناحیه و در مقابل ناحیه یک با ۲۳۶ هکتار، کوچکترین ناحیه شهر به حساب می‌آیند. همچنین ناحیه چهار به عنوان پرجمعیت‌ترین و ناحیه پنج به عنوان کم جمعیت‌ترین نواحی مطرح می‌باشند (مرکز آمار، ۱۳۹۵)

جدول شماره (۱) - تغییرات جمعیتی شهر شاهرود

سال	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰	۱۳۹۵	
جمعیت	۱۷۰۵۸	۳۰۷۶۷	۴۹۷۸۳	۷۸۹۵۰	۱۰۴۷۶۵	۱۳۲۲۷۹	۱۴۰۴۷۴	۱۵۰۱۲۹	
نرخ رشد	۶۰۷	۴۹۲	۴۷۱	۲۸۷	۲۳۶	۱۱۹	۱۳۳		
میانگین رشد	۳۶۹								



شکل شماره (۱): موقعیت شهر شاهرود

روش تحقیق

این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی، حیطة میدانی، ماهیت توصیفی و نوع روش آن به صورت پیمایشی است ابتدا به کمک مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی و مراجعه به سازمان

ها و ارگان های ذی ربط به جمع اوری اطلاعات در زمینه موضوع تحقیق ، سپس با استفاده از نقشه های تهیه شده به نحوه بررسی عوامل مؤثر محیطی در پیشگیری از وقوع سرقت در مناطق مهم و تاثیر گذار شهر شاهرود پرداخته شد.

یافته های تحقیق:

جرم سرقت:

شناخت جامعه از نوع جرائم، فراوانی، زمان، مکان و سایر اطلاعات مربوط به جرم می تواند به برنامه ریزی بهتر جهت کنترل اجتماعی منجر شود. از آنجاکه محیط، انسان و زمان عناصر مهم جرم هستند، بنابراین با درک صحیح قواعد و منطق مجرمین در انتخاب مکان، زمان و رفتار مجرمانه، می توان در جلوگیری از وقوع جرم اقدام نمود (کلانتری، ۱۳۸۰: ۳) امروزه با استفاده از تکنیک های خاص، این امر دنبال می شود، یکی از این تکنیک ها «تهیه نقشه پراکنش مکانی جرم» است. تهیه نقشه پراکنش مکانی جرم یک روش تحلیلی برای بررسی و پیش بینی جرائم است که با وجود پیشینه نسبتاً طولانی، با توسعه سامانه های نمایگان جغرافیایی از جمله نرم افزار سامانه اطلاعات جغرافیایی (GIS) اساساً متحول شده است بیشترین سرقت های در شهر شاهرود مربوط به شهرک های اطراف شهرستان مثل شهرک فدک، کوثر، بهشتی، پردیس و دو شهرک در داخل شهر به نام شهرک ولی عصر و شهرک انقلاب هست. بیشترین سرقت ها در پارکینگ های مجتمع صورت می گیرد که اولویت سرقت ها با سرقت اماکن خصوصی که شامل پارکینگ ها، انبارها، مزارع و باغات بیشترین سرقت را در شاهرود انجام می شود. اولویت بعدی سرقت های خرد که عناوین دارد شامل سرقت در معابر، سرقت گوشی تلفن همراه، سرقت صندوق صدقات و سرقت دوچرخه که از مهم ترین سرقت های خرد است. هرچند عوامل دیگری برافزایش سرقت تأثیرگذار هستند از جمله تورم بالا که هرچقدر تورم بالا رود سرقت هم افزایش پیدا می کند. بیشترین سهم سرقت ها در شب اتفاق می افتد؛ که سرقت معابر بیشترین را دارد. شهرک بهشتی و پردیس یک طیف خاصی دارند که بیشترین مهاجران شاهرود در این قسمت زندگی می کنند و به علت اعتیاد به مواد مخدر و نداشتن شغل مناسب دست به سرقت می زنند. نوع دیگر سرقت سریالی یا مهم مثل سرقت منزل یا سرقت خودرو یا موتورسیکلت که غالباً توسط مهاجرین صورت می گیرد. ۱۵ درصد ۲۰ درصد از سارقین

غیربومی (مهاجرین) هستند. سارقین بومی از سارقین مهاجر بیشتر هستند. سارقین دستگیرشده حدود ۹۰ درصد معتاد هستند. یکی از دلایل سرقت در این شهرستان به علت مجاورت با استان های مجاور بویژه گلستان هست. کیف‌قاپی در این شهرستان از تعداد انگشتان دست کمتر است. حدود ۸۰ درصد از سارقین شغلی نداشته و یا دارای مشاغل فصلی هستند.

عوامل کالبدی

توسعه شهری و الگوهای مناسب در جهت رشد و توسعه کالبدی شهر، اهمیت ویژه ای یافته که باید در برنامه ریزی‌های آتی مورد توجه قرار گیرد. در این زمینه جهت ساماندهی سطوح پراکنده شهری، از الگوهای نوین برنامه ریزی شهری از جمله رشد هوشمند استفاده می‌کنند. (فردوسی و فیروز جء، ۱۳۹۴) یکی از عوامل مؤثر در ایجاد امنیت در شهرها عوامل کالبدی است. یعنی چگونگی طراحی شهرها، در افزایش یا کاهش امنیت، تأثیر زیادی دارد. در ساختار جدید شهرنشینی و شیوه‌ی جدید اسکان و آپارتمان‌نشینی که در آن افراد نسبت به هم غریبه هستند و همدیگر را نمی‌شناسند، به همین دلیل مجرم به راحتی می‌تواند وارد این بافت‌های شطرنجی شود. جرم خود را انجام دهد و سپس از هر نقطه‌ای که دلش خواست خارج شود. از نظر ترافیکی هم، شبکه شطرنجی مشکل‌زاست و امنیت شهروندان را با خطر مواجه می‌سازد. خلوتی محیط از عوامل دیگر در کاهش امنیت و ایجاد موقعیت‌های جرم‌زا محسوب می‌شود. در واقع، هیچ مجرمی نمی‌تواند در محیطی که در معرض دید دیگران است به ارتکاب جرم بپردازد. برای جلوگیری از جرم‌زایی در این محیط‌ها می‌توان با تحرک دادن به آن‌ها، اماکن تردد شهروندان را در آن‌ها فراهم کرد. بدین ترتیب خلوتی محیط از بین می‌رود و از شدت جرم‌زایی کاسته می‌شود. به‌عنوان مثال، در کوچه‌های خلوت، امکان کودک ربایی زیاد است ولی از طرفی هم کودکان نیاز به مکانی برای بازی دارند و به بازی در کوچه‌ها می‌پردازند. می‌توان پارک‌هایی را در سطح محله طراحی کرد که علاوه بر دارا بودن محیط مناسب برای بازی کودکان باعث جذب دیگر افراد هم بشوند تا امکان وقوع جرم کاهش یابد. عامل دیگر ایجاد موقعیت‌های جرم‌زا در شهرها، محل‌های تاریک هستند. مجرم معمولاً درجایی به ارتکاب جرم می‌پردازد که تاریک و دور از نگاه دیگران باشد. وقتی محیط، روشن و در معرض دید دیگران باشد، مجرم جرأت ارتکاب جرم را در این مکان پیدا نمی‌کند و

در نتیجه از جرم‌زایی کاسته می‌شود. عامل پیچیده دیگر، بی‌نظمی محیطی است. بدین معنی که در محیط کالبدی شهر، روابط قاعده‌مندی وجود نداشته باشد. به‌عنوان مثال، وقتی در مکانی ازدحام جمعیت بلا تکلیف وجود دارد، مانند میدان‌هایی که آدم‌های مختلف و فراوانی، منتظر ایستاده‌اند احتمال وقوع جرم زیاد است. بی‌نظمی محیطی ممکن است علاوه بر عوامل اجتماعی، ناشی از بی‌ثباتی مقررات شهرسازی هم باشد. این بی‌نظمی، فضای شهری را بلا تکلیف می‌گذارد. وقتی فضای شهر، بی‌ثبات و بلا تکلیف باشد عملاً الگوی ساخت‌وساز و الگوی معابر بی‌نظم و نحوه خدمات‌رسانی نامناسب می‌شود. عوامل متعددی در ایجاد این فضاها مؤثر است که مهم‌ترین این عوامل عبارت‌اند از:

الف - عدم سازگاری بین فرم، کارکرد و معنی مهم‌ترین و اصلی‌ترین عامل شکل‌گیری فضاهای بدون دفاع شهری، عدم سازگاری بین فرم، کارکرد و معنی است. با توجه به این اصل که هر فعالیتی باید در عرصه‌ای که دارای ویژگی‌های کالبدی و فضایی مشخص و متناسب با آن فعالیت است انجام پذیرد، می‌توان به رابطه بین فرم، کارکرد و معنی پی برد. این رابطه باید به‌گونه‌ای باشد که کالبد فیزیکی (فرم‌ها)، توانایی جوابگویی به کارکرد و معنی را به صورت توأم دارا باشد.

ب - فضاهای بدون کارکرد یا دارای کارکرد متناوب فضاهای بدون کارکرد در شهرهای بزرگ، به دلیل بورس‌بازی اراضی شهری و مطرح‌شدن زمین به عنوان سرمایه‌ای قابل اعتماد، بسیار گسترده است. ساختمان‌های متروک و پروژه‌های عمرانی نیمه‌تمام که بنا به دلایلی ساخت آن‌ها متوقف شده و همچنین ساختمان‌های خالی از جمله فضاهای بدون کارکرد محسوب می‌شوند و زمینه را برای بروز جرائم شهری فراهم می‌آورند. یکی دیگر از انواع فضاهای بدون دفاع در این رده، فضاهایی هستند که دارای کارکرد متناوب‌اند و در مقاطعی از روز یا فصل و یا سال تبدیل به فضاهای مرده می‌شوند. حال این سؤال پیش می‌آید که رشد شهر شاهرود در کدام نواحی تناسب بیشتری را با شاخص‌های رشد هوشمند شهری داشته و در این زمینه هر یک از نواحی نسبت به یکدیگر، در چه وضعیتی قرار دارند؟ شهردر زمینه تناسب با شاخص‌های رشد هوشمند شهری، تفاوت قابل توجهی وجود دارد که در این خصوص جهت توسعه آتی شهر، ضروری است که توجه ویژه‌ای به نواحی با رتبه پایین شود.

قلمرو بندی

هایدگر عقیده دارد که اجزای اصلی قلمرو «مشخص بودن» و «دفاع» از آن است. وی براین باور است که هر حیوان توسط یک سری حباب یا بالون‌هایی با شکل‌های غیرمنطقی احاطه شده است که جهت فضایی متناسب، مابین یکایک جانوران به کار می‌رود. وی این فواصل معین را تشریح می‌کند و آن‌ها را فاصله گریز، فاصله حساس یا بحرانی، فاصله شخصی یا اجتماعی خوانده است. (بحرینی، ۱۳۷۷: ۱۹) قلمرو مفهومی را به ذهن می‌آورد که فضای خصوصی را از فضای عمومی جدا می‌سازد و این مفهوم، بر اساس احساس مالکیت خصوصی شکل می‌گیرد. این موضوع از طریق تقویت احساسی و روحیه‌ی مالکیت در محیط‌های ساخته شده منعکس می‌شود که به ایده چتر مرسوم است. مردم به دلیل احساس مالکیت نسبت به اموال و املاک خود، از آن محافظت می‌کنند. قراردادن دیوار، حصار، نرده، تابلو و علائم هشداردهنده، حریم‌های فیزیکی مناسبی هستند که حدود مالکیت را مشخص می‌کنند؛ به این ترتیب با تعیین مالکیت شخصی می‌شود موانعی بر سر راه مجرمان و متجاوزان قرارداد. (رحمت، ۱۳۹۰: ۱۰۹) عامل قلمرو، نشانه مالکیت یا تحت سرپرستی بودن یک منطقه است که موجب می‌شود ساکنان بر یک منطقه نظارت داشته باشند و هم به طور نامحسوس با اخطار به مجرمین به اینکه در حال قدم گذاشتن به حریم خصوصی افراد هستند مانع کار آن‌ها شوند. همان‌گونه که اسکار نیومن اظهار می‌دارد طراحی مناسب محیط می‌تواند معین کند که کدام فضا متعلق به چه کسی است. وقتی در اثر طراحی محیط مشخص می‌شود که کدام فضا متعلق به چه کسی است و فضاهای عمومی، خصوصی و نیمه عمومی از یکدیگر تفکیک شدند و ساکنان نسبت به این‌ها احساس تعلق کردند این مسئله موجب خواهد شد که غریبه‌ها کاملاً از ساکنان متمایز شوند. مکان‌هایی که ما احساس می‌کنیم مال ماست برای اینکه احتمال تجاوز به آن وجود دارد به آن‌ها توجه می‌کنیم و از زندگی در آن لذت می‌بریم همچنین از این مکان‌ها بیشتر محافظت می‌کنیم یا اینکه آن‌ها بیشتر به این مکان‌ها احساس وابستگی و تعلق خاطر می‌کنند. طراحی، برنامه‌ریزی و اداره مکانی کارا و مؤثر به تحریک طبیعی پلیس اجتماعی کمک می‌کند (قورچی بیگی، ۱۳۸۶: ۷۷) قلمرو گرایی روشی از طراحی است که بر تقویت افکار مالکانه تأکید می‌کند و یک احساس مالکیت در استفاده‌کنندگان قانونی آن فضا به وجود می‌آورد که در نتیجه آن فرصت‌های جرم برای بزه‌کاران با استفاده از ایجاد مانع برای استفاده‌کنندگان غیرقانونی

کاهش می‌یابد. پیش‌نیاز حس قلمرو گرایی در بین مردم مشخص کردن حریم فضاهای عمومی مثل خیابان، فضاهای اجتماعی (مانند فضاهای باز، فضاهای بازی و لباس‌شوئی) و فضاهای خصوصی مثل خانه‌های مسکونی و فضاهای باز خصوصی مثل حیاط منازل است. (جیسون، ۱۳۸۷: ۲۷)

کنترل دسترسی

کنترل دسترسی یکی از ایده‌های CPTED است که با کمک عواملی چون تمرکز بر کاهش فرصت دسترسی به هدف‌های جرم برای خلاف‌کاران احتمالی و افزایش احساس خطر در آن‌ها به دست می‌آید. به بیان ساده‌تر، این موضوع، یعنی تعیین مرز و حدود مالکیت فضاهای خصوصی و نیمه‌خصوصی از فضاهای عمومی و فلسفه آن محدود کردن استفاده افراد اجتماع از فضاهای غیرعمومی است. کنترل دسترسی از سه طریق غیررسمی یا طبیعی، رسمی و سازماندهی شده به دست کارکنان امنیتی و راهکارهای مکانیکی مثل قفل و بست‌ها به وجود می‌آید (Cozens et al., ۲۰۰۵: ۶).

عبور و مرور کاربران قانونی فضا با ایجاد حس قلمرو و از طریق تمرکز بر نقاط ورود و خروج به محلات، ساختمان‌ها، پارک‌ها و پارکینگ‌ها کنترل می‌شود. هر گروه ساختمان، نقاط ورودی ویژه و سطوح دهگانه دسترسی، چه به صورت رسمی و چه غیررسمی دارد. این دسترسی‌ها باید بر اساس سلسله‌مراتب فضایی از خصوصی تا عمومی برای کاربران هر یک از عرصه‌ها مشخص و محدود شود. ورود و خروج سواره و پیاده نیز به صورت رسمی یا غیررسمی باید کنترل شود. تحقیقات نشان می‌دهند در مناطقی که ورودی و دسترسی نامنظم و بی‌قاعده دارند، نسبت به مناطقی با ورودی و دسترسی محدود، جرائم بیشتری می‌دهد. در این رویکرد، تعبیه ابزارهای فیزیکی چون نرده‌کشی، تابلوهای علائم، مسدود کردن خیابان‌ها و گم‌کردن نگرهبان برای دروازه‌های ورودی به صورت عواملی شناخته می‌شوند که برای کنترل کردن رفتارهای مجرمانه در فضاهای عمومی و خصوصی به ساکنان کمک می‌کند (فورچی بیگی، ۱۳۸۸: ۳۶۰).

بهبود کیفیت محیط

بهبود کیفیت محیط به این مسئله توجه دارد که امنیت و قابلیت زندگی در هر محیط، به تصویر ساکنان و دیگر افراد فضای موجود بستگی دارد. ارتقا و بهبود تصویر مثبت از

محیط و حفظ و نگهداری مرتب و روزانه محیط این اطمینان را به ساکنان می‌دهد که محیط فیزیکی کارکرد خود را به‌طور مؤثری انجام می‌دهد و این امر، به انتقال پیام‌های مثبت به تمام ساکنان و کاربران فضا منجر می‌شود. (بهزاد پور، ۱۳۹۷: ۶۸) نتایج نشان داده است (Spelman, ۱۹۹۳: ۵۵). کیفیت محیط به مدیریت و نگهداری از منطقه، وابسته است. نگاهداری مناسب از دارایی‌های هر مکان، نشان‌دهنده‌ی این مطلب است که مدیریت یا صاحبان اموال، مراقب آن‌ها هستند و در برابر وقوع جرم از آن‌ها دفاع می‌کنند. بهتر نگهداری کردن از محیط و ساختمان، به جز افزایش دادن حس قلمرو گرایی در ساکنان و احساس تعلق به محله، باعث می‌شود خانه‌ها و فضاهای خالی در برابر جرم مانند آهن‌ربا عمل کنند. با تعمیر و نگهداری مناسب از مبلمان شهری، تابلوها و علائم شهری، چراغ‌های روشنایی و محوطه سزی و همچنین دیوارها و درهای ورودی ساختمان‌های مسکونی قادریم به جز بهینه‌سازی هزینه‌های شهری از بیشتر شدن ظرفیت جرم خیزی مناطق نیز بکاهیم. لذا بر اساس نتایج حاصل از پژوهش می‌توان بیان نمود که بهبود کیفیت محیط، نقش بسزایی در کاهش جرم و افزایش امنیت محیطی ایفا می‌نماید.

حمایت از فعالیت‌های اجتماعی

این مسئله به معنای فراهم کردن امکان انجام برخی از فعالیت‌های اجتماعی در مناطق شهری است تا به جز اشتغال‌زایی و ایجاد تسهیلات رفاهی قادر باشیم میزان نظارت انسانی را بر مناطق افزایش بدهیم. در حال حاضر، پژوهش‌هایی وجود دارند که بر کاربری متنوع از محله‌تانید دارند و این امر، به دلیل افزایش حضور مردم و افزایش انواعی از فعالیت‌ها به کاهش فرصت‌های مجرمانه منجر می‌شود.

با توجه به تمایل ساکنان یا استفاده‌کنندگان قانونی به استفاده کردن از مناطق عمومی حمایت از فعالیت‌های اجتماعی به این نکته اشاره دارد که با اجرای فعالیت‌ها در این فضاها فعالیت مجرمان کاهش می‌یابد. این نکته بسیار مهم است که در ساعت‌های کم شدن استفاده از فضا با ایجاد فعالیت‌های مناسب آن را زنده کرد. درهرحال، تصمیم‌گیری درباره نوع و میزان فعالیت به توجه به بافت و زمینه محلی نیاز دارد (دیویس، ۱۳۸۹: ۳۰). بسیاری از جرائم شهری در مناطقی روی می‌دهد که نظارت عمومی کم است و انسان به صورت فیزیکی در این مناطق حضور ندارد. لذا در این روش، بایستی سعی گردد تا نوعی توانمندسازی در

فعالیت‌های اجتماعی انجام و در حقیقت، در مناطق شهری و به ویژه مناطقی با امکان جرم خیزی بیشتر گردد و فعالیت‌های اجتماعی و حضور افراد بیشتر شود که این عامل نقش بسزایی در پیشگیری از جرائم به خود اختصاص داده است.

نظارت طبیعی

نظارت طبیعی توانمندسازی محیط شهری از طریق در معرض دید قرار گرفته و آسان بودن نظارت است که این امر، امکان نظارت بر مناطق شهری و ساختمان‌های مسکونی را به کمک شهروندان یا ترجمان‌های انتظامی فراهم می‌آورد؛ به این ترتیب، این امکان فراهم می‌شود تا مناطق شهری و مسکونی در معرض دید عمومی قرار گیرند و از ایجاد مناطق غیرقابل نظارت و به اصطلاح مناطق «کور» جلوگیری شود.

نخستین ایده برای ممانعت از جرم و مراقبت از افراد، کنترل کردن و مشاهده است که این ویژگی برای افزایش دید و نظارت بر دارایی‌ها و ساختمان‌های انجام می‌شود. در این نوع نظارت، اهالی محل به صورت عادی و اتفاقی فضاهای عمومی و نیمه عمومی محل زندگی خود را کنترل و افراد غریبه را در محل شناسایی می‌کنند. هرگونه طراحی کالبدی که امکان دید خلاف‌کاران احتمالی را افزایش دهد، شکلی از نظارت طبیعی محسوب می‌شود و این کار، به‌سادگی از طریق ترغیب ساکنان به گذراندن اوقات در بیرون خانه یا طراحی مغازه‌های روبه خیابان، با پنجره‌هایی در مکان‌های مناسب، نورپردازی مطلوب و غیره امکان‌پذیر است (بهزاد پور، ۱۳۹۷: ۶۶).

درواقع نظارت را می‌توان بخشی از محافظت بالقوه‌ی محله دانست. اگر مجرم تصور کند که در صورت ارتکاب جرم در معرض نظارت و مشاهده قرار خواهد گرفت اگرچه بالقوه این‌گونه نباشد، احتمال ارتکاب جرم توسط وی کمتر خواهد بود. زیرا وی در فرایند گذار از اندیشه به عمل منافع و خطر ارتکاب جرم را می‌سنجد. وی می‌داند که در این محل به دلیل نظارت بالقوه، احتمال دخالت ساکنین، پلیس و نهادها بالا خواهد بود. در نتیجه از ارتکاب جرم منصرف می‌شود (اسماعیل‌زاده، ۱۳۸۷: ۳۵). نظارت بر سه گونه است: نظارت طبیعی، نظارت رسمی یا سازمان‌یافته و نظارت مکانیکی.

نظارت طبیعی: هنگامی نظارت طبیعی است، که طراحی خانه‌ها به‌گونه‌ای باشد که افراد درون خانه هم بر فضای اختصاصی و هم بر فضای عمومی و نیمه عمومی اشراف داشته

باشند. این نظارت معمولاً از طریق پنجره‌ها ممکن می‌شود. به عبارت دیگر نظارت غیر مکانی و غیررسمی است. نظارت طبیعی اشاره به این امر دارد که طراحی باید فضاهایی را ایجاد کند که بهتر در معرض دید ساکنین، همسایگان و رهگذران باشد. به نظر جاکوبز نظارت بدین معناست که ساکنان منازل قادر باشند که حیاط، گاراژ و پارکینگ خیابان را مشاهده کنند. (قورچی بیگی، ۱۳۸۶: ۳۵۸)

نظارت رسمی یا سازمان یافته: توسط افرادی که به این کار گمارده می‌شوند مانند محافظان امنیتی یا نگهبانان انجام می‌شود. یکی از مهم‌ترین اشکال نظارت سازمان یافته نظارت همسایگی است که سبب کاهش بزه کاری می‌شود، کاهش جرائم مالی، تهدیدهای جنسی و شخصی و بسیاری از جرائم که در نزدیکی یا درون خانه بزه دیدگان اتفاق می‌افتند، از این جمله است.

نظارت مکانیکی: با بهبود روشنایی و نصب دوربین‌های مداربسته قابل اجراست.

دوربین مداربسته: یکی از اقسام نظارت مکانیکی دوربین مداربسته است. این فناوری جدید می‌تواند در صورتی که با مطالعه قبلی و توجیه منطقه نصب شده باشد و با مداخله شایسته و به هنگام همراه باشد، عملکردی موفقیت‌آمیز داشته باشد. دوربین مداربسته می‌تواند با افزایش خطر دستگیری مجرمان موجب پیشگیری از جرم شود. مجرمان هنگام ارتکاب جرم به خطر دستگیری بیشتر و شدت مجازات فکر می‌کنند، و چون دوربین مداربسته این خطر را افزایش می‌دهد نصب آن می‌تواند در پیشگیری از جرم مؤثر باشد. دریافت که نصب دوربین‌های مداربسته در ایستگاه‌های زیرزمینی لندن، سرقت‌ها را در مقایسه با نیروی انسانی (گروه‌های کنترل) کاهش دادند. و به‌طور مشابهی دوربین‌های مداربسته در پارکینگ نیز میزان جرم را در رابطه با ماشین، کاهش دادند. اما در جرائمی که مجرم فاقد عقلانیت یا به قول بنتام حسابگری است و در مورد مجرمان مختل المشاعر، کودک و یا مجرمان مصمم که فاقد سنجش عقلانی هستند نصب دوربین مداربسته کارایی بالایی نخواهد داشت. درباره‌ی میزان تأثیر و کارایی دوربین مداربسته تحقیقات متعدد و متناقضی وجود دارد، علاوه بر این، ارزیابی میزان تأثیر دوربین مداربسته نیز کار مشکلی است (قورچی بیگی، ۱۳۸۶: ۳۶۰)

روشنایی

روشنایی تأثیر غیرقابل انکاری در پیشگیری از جرم دارد. روشنایی دو کار انجام می‌دهد: نخست اینکه به کسانی که ناظر یک وضعیت هستند کمک می‌کند که بیشتر و واضح‌تر دیده شوند. دوم اینکه مردم را تشویق به حضور بیشتر در محیط می‌کند. زیرا رؤیت پذیری بیشتر موجب احساس امنیت بیشتر و افزایش چشم‌های ناظر بر خیابان می‌شود. بعد از تاریکی هوا فرصت نظارت کم می‌شود و این کمبود از طریق روشنایی جبران می‌شود. تحقیقات زیادی به تأثیر این موضوع پرداخته‌اند. نور و روشنایی القاء کننده‌ی حس خوبی به انسان است و هنگامی که فرد از فضای تاریک وارد فضای روشن می‌شود احساس امنیت می‌کند. علاوه بر این، روشنایی می‌تواند با افزایش فرصت نظارت برای افراد و قلمرو گرابی در محله و القاء حس امنیت، علاوه بر کاهش جرم بر ترس نیز غلبه نماید. مطالعات زیادی در مورد تجهیزات روشنایی، سطوح و استانداردهای روشنایی وجود دارد اما مطالعاتی که به تأثیر روشنایی در میزان جرم و ترس از جرم می‌پردازند اندک است. یکی از موارد استثناء، تحقیق اخیر پینتر و فارنیگتون در مورد خانه‌های سازمانی دادلی انگلستان است که نشان می‌دهد بهبود وضع روشنایی نه تنها ترس از جرم را کاهش می‌دهد بلکه باعث می‌شود میزان بزه کاری در محله‌های مجاور کم شود (اخوان، ۱۳۸۸: ۵۸).

عدم امکان رؤیت بصری به علت نبود روشنایی و آشکار نشدن فرم به علت تاریکی، اولین گام به سوی ایجاد فضاهای بدون دفاع است. یکی دیگر از عوامل اساسی کاهش امنیت و افزایش جرم محله‌های قدیمی و فرسوده‌اند که به دلیل همین فرسودگی و همچنین فقدان بهداشت، اسکان مهاجران، تراکم و ... به محله‌های جرم خیز تبدیل شده‌اند. در دیگر کشورها از طریق فرآیند اصالت بخشی و برگرداندن هویت قبلی این بافت‌ها به آن‌ها، در امر احیاء و بازسازی این محله‌ها تلاش می‌شود. برخلاف ایده‌ای که معتقد است برای برطرف کردن مشکل این بافت‌ها باید آن‌ها را تخریب کرد. با سرمایه‌گذاری عمومی در این بافت‌های مسئله‌دار شهری می‌توان از مشکلات و میزان جرم و جنایت در آن‌ها کاست. تخریب این بافت‌ها، نه تنها باعث پراکنده شدن جرم و جنایت در سطح شهر می‌شود. (حاتمی نژاد، ۱۳۹۷: ۶۹). مطالعات میدانی نشان می‌دهد شهر شاهرود حدود ۴۰ بوستان و پارک دارد که شکل روشنایی در برخی پارک‌های قدیمی شهر بیشتر رخ نمایی می‌کند چون در

بوستان های جدید هم درختان بلند کمتری وجود دارد و هم از تجهیزات بروزتری استفاده شده است ..

یکی دیگر از نگرانی های خانواده های شاهرودی ، فعالیت برخی از فروشندگان و مصرف کنندگان مواد مخدر و احتمال ایجاد مزاحمت برای نوامیس مردم و سرقت در بوستان هایی است که روشنایی کافی ندارند .

با توجه به حجم بالای عبور مسافران از شهر شاهرود ، برخی از آن ها شب ها را در بوستان های این شهر سپری می کنند. لذا روشنایی معابر و امکان عمومی نقش بسزایی در پیشگیری از جرائم شهر ایفا می نمایند.



شکل شماره (۲): روشنایی بوستان

کنترل دسترسی

از این اصل برای کاهش توان دسترسی در جرم خیزی و ارتکاب جرم استفاده می شود . برای ایجاد دسترسی مطلوب و کاهش دسترسی مجرمان می توان از نظارت های عمومی بر معابر و مسیرهای دسترسی به اماکن و فضاهای شهری بهره گرفت (محمودی نژاد، ۱۳۸۶: ۹۴) . کنترل دسترسی بر این نکته تأکید دارد که با محدود کردن دسترسی به آماج می توان

فرصت ارتکاب جرم را کاهش داد. به عبارت دیگر، باکم کردن ورودی ساختمان به حداقل ممکن می‌توان از میزان آماج جرم کاست. تحقیقات نشان می‌دهد که، مناطقی که دارای ورودی‌ها و دسترسی نامنظم و بی‌قاعده هستند، نسبت به مناطقی که دسترسی و ورودی محدودی دارند، جرائم بیشتری را تجربه می‌کنند (قورچی بیگی، ۱۳۸۱: ۱۵۱). علاوه بر این مطالعات نشان می‌دهد که ابتدای محله یا سر کوچه در مقایسه با خانه‌هایی که در داخل کوچه قرار دارند بیشتر در معرض سرقت هستند. علاوه بر این خانه‌هایی که دسترسی به آن‌ها آسان است مانند خانه‌هایی که در تقاطع و چهارراه‌ها قرار دارند نسبت به خانه‌هایی که دسترسی به آن‌ها محدود است مانند کوچه‌های بن‌بست میزان سرقت در آن‌ها بیشتر است (قورچی بیگی، ۱۳۸۸: ۳۶۱).

دسترسی بزه‌کاران به اهداف مجرمانه را به روش‌های زیر می‌توان محدود ساخت:

-افزایش نظارت طبیعی و تقویت حس قلمرو گرایبی سبب می‌شود تا ساکنان غریبه‌ها را شناسایی کنند، با رفتارهای مشکوک آن‌ها برخورد کنند.

-نصب تجهیزات حفاظت الکترونیکی در سرسرای ساختمان‌ها و پارکینگ‌ها و نصب دوربین‌های مداربسته از این جمله است.

-نصب تلفن داخلی، راه‌اندازی بخش پذیرش در ساختمان‌ها و مراقبت دقیق از پیاده‌روهای مجتمع‌های مسکونی راهکار دیگری برای محدودسازی دسترسی بزه‌کاران به اهداف مجرمانه آن‌ها است.

-دشواری رسیدن به اهداف مجرمانه از طریق محکم نمودن درها و پنجره‌ها با استفاده از چهارچوب و قفل‌های محکم، نصب روزنه دید روی در و زنجیر پشت بند در، احداث دیوار و نرده و در بعضی موارد نصب آژیر اعلام خطر انجام می‌گیرد.

تصویر و نگهداری از فضا

نظریه فضای قابل دفاع بر این نکته تأکید دارد که امنیت و قابلیت زندگی در یک فضا بستگی به درک و تصویری دارد که ساکنان محله‌های مجاور از آن فضا دارند. اگر ساکنان، تصویر بدی از آن‌ها داشته باشند، احتمال ارتکاب جرم در آن فضا بیشتر خواهد شد. ارتقا و بهبود تصویر مثبت از محیط و حفظ و نگهداری مرتب محیط این اطمینان را به ساکنان

می‌دهد که محیط فیزیکی کارکرد خود را به‌طور مؤثر انجام داده و موجب انتقال پیام‌های مثبت به تمام ساکنان و کاربران فضا خواهد شد. به‌طور قطع تحقیقاتی وجود دارد که نشان می‌دهد هر چه محیط و محله بهتر نگهداری شود علاوه بر اینکه قلمرو گرایی را میان ساکنان افزایش می‌دهد احساس تعلق به محله را ارتقا داده و این حس را القا خواهد کرد که محله دارای فضای امن است و کوچک‌ترین خطا و انحرافی در این محله با واکنش روبه‌رو خواهد شد. خانه‌ها و فضاهای خالی و بلا تصدی به مانند یک آهن‌ربا در برابر جرم عمل می‌کنند. این بخش از مفهوم نظریه CPTED با نظریه پنجره‌های شکسته رابطه‌ی تنگاتنگی دارد. یک پنجره تعمیر نشده و شکسته خود نشان‌های از این است که هیچ‌کس نگران نیست، بنابراین پنجره‌های بیشتر هیچ هزینه‌ای ندارد. بر اساس پژوهش‌های صورت گرفته توسط ایران فر (۱۳۹۳) نتایج حاکی از این مطلب بوده است که تصویر و نگهداری از فضاهای شهری و غیرمسکونی تأثیر بسزایی در کاهش سرقت داشته و نقش کلیدی در پیشگیری‌های جرم ایفا نموده است.



شکل شماره (۳): تصویر و نگهداری از فضا

نتیجه‌گیری و پیشنهادها:

جرم بخشی از هر سیستم اجتماعی است از جامعه ای به جامعه دیگر فرق می کند، حتی در یک جامعه در همه مکان ها به طور یکسان و به یک شیوه اتفاق نمی افتد. همچنین در بعضی از مکان ها بیشتر از سایر مکان ها متمرکز شده است. گاهی افزایش و گاهی کاهش می یابد. رفتار انسان در فضا و مکان‌های متفاوت با شکل و هندسه خاص و نیز با عملکرد نهفته در آن، متفاوت بوده و در موارد زیادی، فضا محرک انسان در بروز رفتارهای مجرمانه بوده است. به همین دلیل، در مباحث نوین مطرح در مطالعات شهری و برنامه‌ریزی شهری، تلاش می‌شود تا زمینه بروز جرم در یک مکان خاص را تا حد امکان از طریق طراحی و برنامه‌ریزی صحیح برطرف نمود. به وجود آمدن ناامنی در شهرها رابطه‌ی مستقیم با فضا، ساختار شهری و یا ساخت‌وساز نامتعارف در محلات دارد و با ایجاد اصلاحاتی در فضای شهری و ساختار کالبدی آن تا حدی به امنیت اجتماعی می‌توان کمک کرد. از این‌رو، پیشگیری از جرم توسط طراحی محیط، مشهورترین رویکرد در کاهش فرصت‌های وقوع جرم است. این تحقیق با سری تحقیقات هبا عادل و همکارانش در قاهره ، مصر همخوانی دارد در مجموع اهمیت یافته‌های تحقیق حاضر در مقایسه با تحقیق‌های علمی و سازمانی انجام‌یافته، به اثبات این نکته اساسی برمی‌گردد که جغرافیای جنایی همیشه از ماهیت ثابت و فضای کالبدی خاص با محدودیت‌های فیزیکی برخوردار است. به دلیل رشد توسعه شهر نشینی در ایران، همواره شاهد تولید تنوع مجتمع‌های زیستی در شهر و اطراف آن در قالب ایجاد شهرک هستیم، جرائم با کثرت ملاک‌های ارتباطات اجتماعی هم افزایش می‌یابد. از این‌رو همه تکنیک‌های مدرن ناظر بر امنیت محیطی در فضاهای شهری را برای جلوگیری از تعامل دو عنصر الحاقی و القایی با عنصر زیستگاهی که ترکیب آن‌ها متضمن فلسفه وجودی جرائم شهری است، بایستی در مهندسی شهری به کار گرفته شود. یافته‌های شهر شاهرود بر اهمیت نقش مکان تاکید دارد، مکان نقش بسیار مهم و انکار ناشدنی در وقوع یا پیشگیری از وقوع جرائم ایفا می‌کند. مجرمان، بیشتر مناطقی را برای ارتکاب جرم بر می‌گزینند، که وقوع جرم در آنها راحت تر بوده و امکان مشاهده و دستگیری آنان در آن مناطق کمتر باشد. بیشتر مجرمان دنبال مکان‌های در دسترس تر و عدم کنترل سازمان یافته می‌گردند که حرکت در آنها آسان است و به آنها فرصت فرار می‌دهد، تا جرم‌شان را مرتکب شوند. لذا بیش‌ترین سرقت‌ها مربوط به شهرک‌های حاشیه شهر، مثل شهرک

فدک، کوثر، بهشتی، پردیس و دو شهرک در داخل شهر به نام شهرک ولی عصر و شهرک انقلاب می باشد بیشترین سرقت‌ها در پارکینگ‌های مجتمع‌ها صورت می‌گیرد که اولویت سرقت‌ها با سرقت اماکن خصوصی که شامل پارکینگ‌ها، انبارها، مزارع و باغات می باشد. اولویت بعدی سرقت‌های خرد، شامل سرقت در معابر، سرقت گوشی تلفن همراه، سرقت صندوق صدقات و سرقت دوچرخه که از مهم‌ترین سرقت‌های خرد است.

پیشنهادها:

بطور کلی راهکارهای پیشگیری از جرم در شهرشاهرود به شرح ذیل است:

بکارگیری معیارهای علمی در داخل شهر با توجه به شرایط اقتصادی، اجتماعی، جامعه شهری

ثبت سابقه مجرمان و تهیه بانک اطلاعاتی پرونده های قضایی برای آنها و تهیه اطلس جرم شهر شاهرود

تشخیص مالکیت مکان و پاکسازی خانه های مخروبه و مکانهای خلاف در محله های دارای بافت فرسوده و قدیمی؛

محصور کردن ساختمان های رها شده و اراضی متروکه با استفاده از محوطه سازی نظارت افزایش حضور گشت های انتظامی در ساعات پایانی روز و شب؛ و در ایام پر تردد مسافری

استقرار ایستگاه های و کانکس های پلیس در نقاط جرم خیز شهر و شهرکها -نصب دوربین های مدار بسته و چراغ های روشنایی در سطح شهر و مناطق تاریک شهر

حمایت از فعالیت های اجتماعی و تزریق کاربری های امن و متجانس باضرب جذب بالای اجتماعی در نقاط مستعد جرم؛

- استفاده از سیستم اطلاعات مکانی و تصمیم گیری چند معیاره همچون GIS

منابع:

- اخوان، آرمین. (۱۳۸۸). رویکرد جلوگیری از جرائم از طریق طراحی محیطی (CPTED) رویکردی مؤثر در کاهش جرم در محیط‌های شهری، ماهنامه‌ی بین‌المللی راه و ساختمان.
- اسماعیل‌زاده، یعقوب. (۱۳۸۷). عوامل مؤثر در کاهش یا افزایش امنیت اجتماعی در شهرها، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی پیشگیری از جرم.
- ایران منش، ن. (۱۳۹۲). پیشگیری از جرائم توسط طراحی محیطی، تهران: نشر معماری و هنر قرن.
- بمانیان، محمدرضا. (۱۳۸۷). تحقیقی در سنجش عوامل تأثیرگذار بر احساس امنیت شهری نمونه موردی شهر کرمان، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۱۹.
- بهزاد پور، محمد. (۱۳۹۷). مطالعه تطبیقی عوامل کالبدی مؤثر بر پیشگیری از وقوع سرقت از ساختمان‌های مسکونی در بافت‌های فرسوده و جدید شهری با استفاده از روش تحلیل شبکه، پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، سال هفتم، شماره پیاپی ۲۱، شماره دوم.
- جمال بیگی، ابراهیم. (۱۳۹۸). ارزیابی نقش زیستگاه در جغرافیای جرائم شهری مطالعه موردی: شهر میاندوآب، فصلنامه‌ی علمی پژوهشی مطالعات شهری، شماره‌ی ۳۱.
- حاتمی نژاد، حسین. (۱۳۹۷). تبیین نقش فضاهای شهری در پیشگیری از وقوع جرم و ایجاد امنیت، فصلنامه‌ی سپهر، دوره‌ی بیست و دوم، شماره‌ی ۸۷.
- حسینی، سید باقر. (۱۳۹۲). کاهش جرائم شهری با تأکید بر رویکرد پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی، مطالعه موردی شهر قم، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال ۸، شماره ۲۹.
- دیویس، ل. (۱۳۸۹). مکان‌های ایمن، سیستم برنامه‌ریزی و پیشگیری از جرم، تهران: آرمان‌شهر.

رحمت، محمدرضا. (۱۳۹۰). پیشگیری از جرم از طریق معماری و شهرسازی، نشر میزان: تهران.

رحمت، م. ر. (۱۳۹۰). پیشگیری از جرم از طریق معماری و شهرسازی، تهران: نشر میزان.

عبادی نژاد، علی. (۱۳۹۱). بررسی عوامل محیطی مؤثر بر پیشگیری از سرقت منزل، فصلنامه پژوهش‌های انتظام اجتماعی، دوره ۴، شماره ۳.

فردوسی، سجاد، شکری فیروزجاه، پری. (۱۳۹۴). تحلیل فضایی - کالبدی نواحی شهری بر اساس شاخص‌های رشد هوشمند فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی شهری، ۶(۲۲)، ۱۵-۳۲.

قورچی بیگی، مجید. (۱۳۸۸). نقش طراحی محیطی در پیشگیری از جرم، فصلنامه حقوق، شماره ۳۹.

- کامیابی، سعید و روحانی مقدم، محمد و آقایی، مریم (۱۳۹۴)، پیشگیری از جرم با تاکید بر مکان یابی کانکس‌های انتظامی با بیشترین پوشش در فا ویژه شرق استان تهران، اولین همایش پژوهش‌های کاربردی در علوم جغرافیایی، سمنان،

کامیابی، سعید، سیدعلی پور، سیدخلیل. (۱۳۹۹). مکان یابی جغرافیایی ایستگاه پلیس جهت پیشگیری از جرایم شهری مورد مطالعه: شهردامغان. فصلنامه پیشگیری از جرم، ۱۳۹۹(۵۵)، -.

کلانتری، ایرج. (۱۳۹۳)، بررسی عوامل محیطی بر جرم و جنایت در مناطق شهری، فصلنامه‌ی مطالعات پیشگیری از جرم و جرائم، نشریه علوم سیاسی، شماره ۳۶.

کلانتری، محسن. (۱۳۸۶). شناسایی و تحلیل کانون‌های جرم خیز شهری، فصلنامه‌ی مطالعات پیشگیری از جرم، نشریه پلیس پیشگیری نیروی انتظامی، سال دوم، چاپ دوم.

گلدوزیان، ایرج. (۱۳۶۹). حقوق جزای عمومی ایران، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

محمودی جانکی، (۱۳۸۸). نقش طراحی محیطی در پیشگیری از جرم، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۳۹، ش ۲.

محمودی نژاد، هادی. (۱۳۸۶). جلوگیری از جرائم شهری از طریق طراحی محیطی بازخوانی حفاظت محیطی، مجله‌ی شهرسازی و معماری سنتی، شماره ۱۶.

مدیریت، آتوسا. (۱۳۸۵). جرم، خشونت و احساس امنیت در فضاهای عمومی شهر، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۲.

الیاس زاده، مقدم. (۱۳۸۹). بررسی شاخص‌های برنامه‌ریزی شهری مؤثر در ارتقای امنیت زنان در فضاهای عمومی با رویکرد مشارکتی، نشریه هنرهای زیبای معماری و شهرسازی، شماره ۴۴.

Cozens, P. M. Saville, G. & Hillier, D. (۲۰۰۵) "Crime Prevention through Environmental Design (CPTED): A Review and Modern Bibliography". *Property Management*, ۲۳(۵): ۳۲۸-۳۵۶.

Spelman, W. (۱۹۹۳) "Abandoned buildings: magnets for crime?" *Journal of Criminal Justice*, ۱۲۱(۳): ۴۸۱-۴۹۵.

Adel Hussein H. Crime and urban planning in Egypt casestudy. Greater Cairo Region, thesis for M.Sc. degree inArchitecture (Urban Planning), Supervised by Dr. MohammedSalheen and Dr. Randa A. Maahmoud, Ain Shams University;۲۰۱۱. ۱۶۶p.

Prevention of theft Case study: Shahroud city

Hussein Jiba

Abstract

The urban environment has different effects on urban spaces and citizens' lives, the most important of which is the increase in crime and the decrease in citizens' sense of security. The phenomenon of theft and urban insecurity is somehow related to the order and security of the country and due to the psychological and physical damage to the lost property, leads to insecurity in society. One of the strategies to prevent crime and consequently theft is to prevent crime through environmental design and attention to the geographical environment of crime. The purpose of this study was to investigate the environmental conditions in the occurrence of theft. The research method was descriptive-analytical based on library and field studies. Findings of the study emphasize the importance of the role of location in Shahroud in the amount and frequency of robbery. It shows that the role and effect of the body and physics of cities and the proper design of urban spaces and biological complexes have had a direct impact on crime reduction and prevention. Therefore, considering the relationship between defenseless spaces and the crime of theft, by reducing defenseless spaces and paying attention to the crime scene and proper design of the environment, it is possible to prevent the occurrence of some crimes.

Keywords: Security, Crime, Theft, Crime Environment, Shahroud